



مسجد محله‌ی ما

مردم محله‌ی ما بسیار خوش حال بودند. کار بنایی مسجد تازه تمام شده بود. مردم می‌خواستند برای اولین بار، نماز را به جماعت در این مسجد بخوانند. مسجد چراغانی شده بود. حوض مسجد پر از آب بود. مهدی با پدر و مادرش، گلدان‌های پرگلی را که آورده بودند، کنار حوض قرار دادند. چند نفر هم شیرینی و شربت به مردم می‌دادند.

بعد از نماز، امام جماعت از همه‌ی کسانی که در ساختن مسجد کمک و همکاری کرده بودند، تشکر کرد و گفت: «مسجد خانه‌ی خداست. وقتی برای خواندن نماز به مسجد می‌آییم، از حال یکدیگر باخبر می‌شویم و با هم فکری، می‌توانیم کارهای خوب و بزرگ انجام بدهیم.»

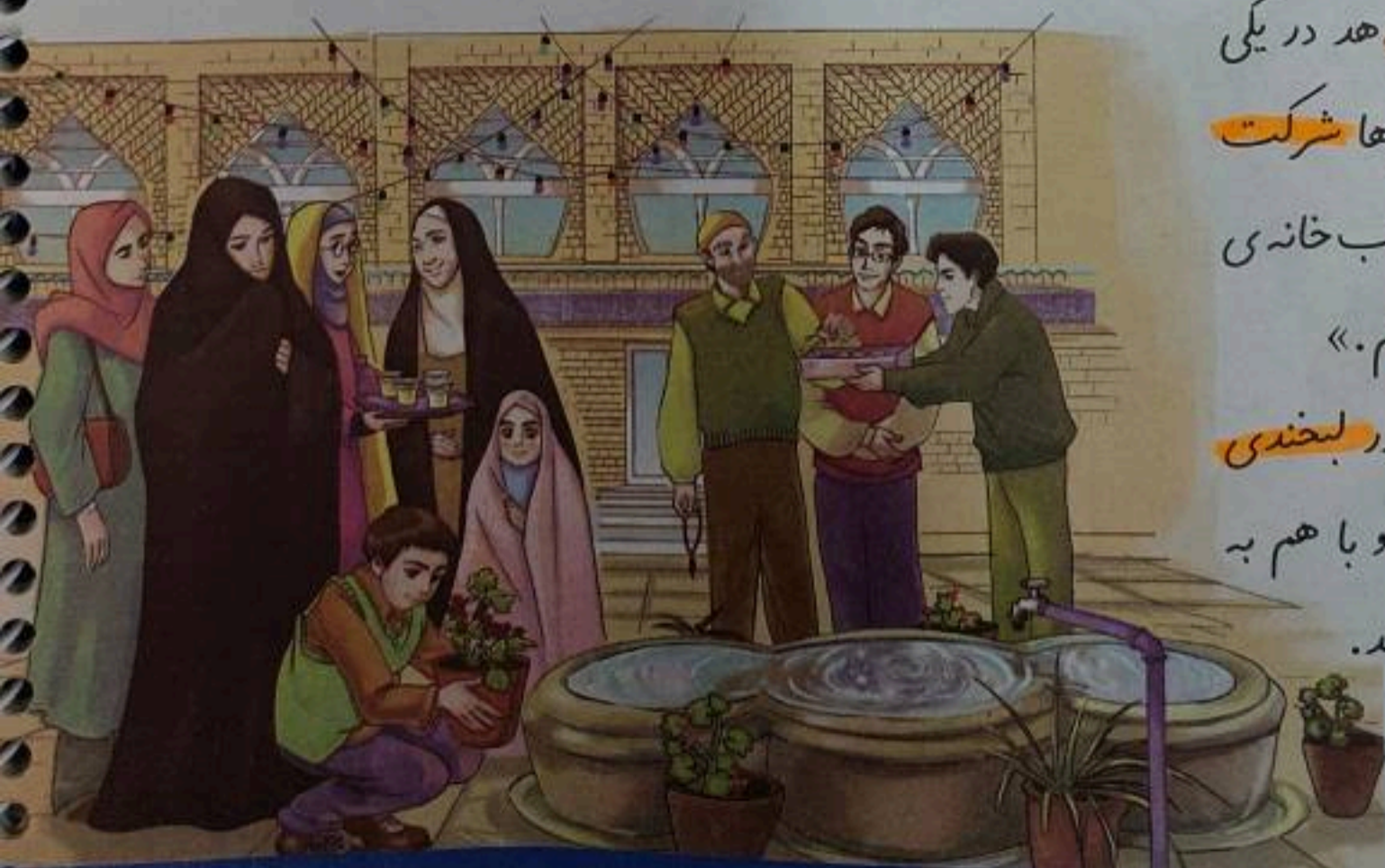
هنگامی که مهدی با پدر و مادرش از مسجد خارج می‌شدند، مهدی رو به مادرش کرد و گفت: «من با دقت به حرف‌های پیش نماز گوش دادم. سخنان او جالب بود. من همیشه فکر می‌کردم مردم برای نماز خواندن به مسجد می‌آیند؛ نمی‌دانستم که مسجد محله‌ی ما کلاس‌های آموزش قرآن، نقاشی، رایانه و عکاسی دارد. در آنجا کتاب‌خانه‌ی خوبی نیز برای کودکان وجود دارد. مادر جان! من

هم دلم می‌خواهد در یکی از این کلاس‌ها شرکت کنم و از کتاب‌خانه‌ی آنجا استفاده کنم.»

مادر و پدر لبخندی

به مهدی زدند و با هم به

طرف خانه رفتند.



«مسجد محله‌ی ما»

آموختنی‌ها

۱. آشنایی با مسجد و فعالیت‌های مربوط به آن
۲. تقویت روحیه‌ی مشارکت و همکاری
۳. واژه‌سازی با پیشوند «با»
۴. آشنایی با صدهای مختلف نشانه‌ی «و»



جعبه‌ی کلمات

کلمات هم‌معنی

- محله: قسمتی از شهر
 خوشحال: نشاد.....
 امام جماعت: پیش نماز
 لبخند: خنده، تبسم
 خارج: بیرون
 حرف: سخن
 هم‌فکری: هم‌فکران
 هنگامی: زمانی، وقتی

کلمات مخالف

- خوشحال ≠ ناراضح
 بعد ≠ قبل
 اولین ≠ آخرین
 خنده ≠ گریه
 پر ≠ قالی
 خوب ≠ بد

- کمک: یاری
 پسری: پسر کوچک
 جالب: جذاب، تشنگت انگیز
 کودکان: بچه‌ها
 طرف: سمت
 سخنان: حرف‌ها
 همکاری: هم‌یاری، همراهی
 بسیار: خیلی زیاد

- بسیار ≠ کم، اندک
 تمام ≠ شروع
 بزرگ ≠ کوچک

